



جزئیاتی درباره بیمارستان گاندی

سختگویی سازمان آتش نشانی شهرداری تهران، جزئیات جدید از حادثه حریق در بیمارستان گاندی را تشریح کرد. به گزارش مهر، جلال ملکی درباره نمای ساختمان بیمارستان گاندی توضیح داد و گفت: «استفاده نکردن از نمای کامپوزیت در ساختمان‌ها، قبلاً به بیمارستان گاندی و سایر مراکز اعلام شده بود، هر ساختمانی حتی اگر در زمان قدیم از نمای کامپوزیت استفاده کرده، در صورتی که نیاز به بازسازی نمای ساختمان دارد حتماً تعویض نما را در اولویت قرار دهد.» براساس اعلام او، در سال ۹۴ شورای شهر استفاده از نمای کامپوزیت در ساختمان‌ها را تخلف تصویب کرد، آتش نشانی نیز با نمای کامپوزیت موافقت نمی‌کند: «نمای کامپوزیت بیمارستان گاندی، یک نمای قدیمی بود، طبق دیدار با مسئولان بیمارستان زمان اجرای استفاده از نمای کامپوزیت را در سال ۹۰ اعلام کردند.» ملکی درباره رعایت نکردن نمای جدید در بازسازی بیمارستان گاندی گفت: «از آنجایی که بیمارستان گاندی در حال بازسازی بود و اعلام کرده بودند، برنامه‌ای برای تغییر نمای کامپوزیت دارند، در داخل ساختمان تقریباً کار به اتمام رسیده بود اما بیرون ساختمان اعلامی از وجود درستی برای تغییر نما وجود نداشت.»



طاهره زینالی
خبرنگار اجتماعی

گفت و گوی «هم میهن» با کامران زینالزاده رئیس پژوهشکده مطالعات دریاچه ارومیه درباره تنش‌های اجتماعی و آبی خیلی وقت است مرزهای هشدار را رد کرده ایم

دیگر جانی برایش نمانده؛ نحیف و رنجور در انتظار مرگ، نفس‌های آخر را می‌کشد. حرف‌ها از جان گرفتن دوباره اش هم دیگر امیدوارکننده نیست. آبی نیست و دیگر رمقی باقی نمانده است. هنوز خود را برای سوگ نگین زیبای آذربایجان آماده نکرده ایم که کارشناسان از وجود بیماری مزمن و خطرناکی سخن می‌گویند که گویا دریاچه ارومیه فقط نمود عینی و ظاهری آن است. خطر، جدی‌تر از خشک شدن دریاچه ارومیه است. بحران اصلی در دل زمین نهان است؛ نابودی و از بین رفتن سفره‌های زیرزمینی که هر کدام شان قدمتی هزاران ساله دارند. «هم میهن» در گفت‌وگو با کامران زینالزاده، رئیس پژوهشکده مطالعات دریاچه ارومیه و عضو هیئت علمی گروه مهندسی آب دانشگاه ارومیه به دلایل خشکی دریاچه ارومیه، فرآیند احیاء، چرایی موفق نبودن آن، همچنین وضعیت منابع آب استان پرداخت.

از منابع آب و خاک نداریم، چون خشک شدن دریاچه ارومیه ظاهر این بحران است و بحران اصلی، در دل زمین است و ما با از بین رفتن سریع منابع محدود آب که هزاران سال طول کشیده تا جمع شود، روبه‌رو هستیم. طی ۲۰ سال بخش قابل ملاحظه‌ای از آب چند هزار ساله که جمع شده بود را مصرف کرده ایم و این منابع ارزشمند که تضمین کننده حیات و تمدن مان بوده، در حال از دست رفتن است. بنابراین دولت و مردم چاره‌ای جز بازگشت به مدیریت سازگار و پایدار از منابع آب و خاک ندارند.

بنابراین موضوع اول این است که ما باید بحران آب و خاک را بپذیریم و اقدام کنیم. چندسال قرار است با این روند دوام بیاوریم؟

علاوه بر موضوعی که اشاره کردید، دومین مسئله این است که بهره‌وری در بخش کشاورزی استان بسیار پایین است. ایجاد اشتغال و تولید با توسعه افقی و تغییر کاربری‌های این چنینی حاصل نخواهد شد، بلکه ما باید تولید و بهره‌وری در واحد سطح را افزایش دهیم و بیشترین درآمد را برای کشاورزان ایجاد کنیم. موضوع سوم که از آن غافلیم، این است که بخش عمده توسعه اراضی کشاورزی توسط کشاورزان حقله‌بر، صورت نمی‌گیرد. متأسفانه تصرف اراضی، تغییر کاربری‌ها و برداشت‌های غیرمجاز از آب‌های سطحی و زیرزمینی با صرف هزینه‌های گزاف و با اعمال نفوذ انجام می‌شود و بالطبع، دولت و حاکمیت باید با کسانی که قانون را زیر پا می‌گذارند، برخورد قاطع داشته باشند. کشاورزان خرده‌پا هم که تغییر کاربری داده یا برداشت‌های غیرمجاز از آب‌های سطحی و زیرزمینی دارند، اینها هم جای خود دارد، اما اولویت اصلی در برخورد با متخلفان بزرگ است که حتی ادامه این روند آنها می‌تواند تامین آب شرب را به خطر اندازد. در حال حاضر آب برای احیاء دریاچه ارومیه نداریم، آب برای کشاورزی محدود است و با این شرایط بیشتر باید به دنبال برنامه‌ریزی برای تامین آب شرب باشیم.

مثبت تلقی می‌شود. خطرناک‌تر اینکه باور نداریم، این بحران جدی است و این هرج و مرج و بی‌قانونی که در عرصه استفاده از منابع آب و خاک وجود دارد، به جدی‌ترین عامل این بحران تبدیل شده است. اینکه اعلام می‌شود کشاورزی عامل تشدید این بحران است به عنوان یک کارشناس قبول ندارم و معتقدم نبود مدیریت درست در بخش کشاورزی عامل اصلی بحران خشکی دریاچه ارومیه است. کشاورزی فی‌نفسه کار بسیار ارزشمندی است، تامین امنیت غذایی جز با کشاورزی امکان‌پذیر نیست، اما در حال حاضر محصولاتی را تولید می‌کنیم که نه تنها امنیت غذایی را تامین نمی‌کند، بلکه منابع آبی محدود موجود را از بین می‌برد. بنابراین با این روند، امر احیاء دریاچه ارومیه بسیار مشکل است.

راهکار چیست؟
باید بازنگری اساسی در ساختار سازمان‌های اجرایی و نگرش‌مان به منابع آب و خاک داشته باشیم. در حال حاضر سازوکاری که در ساختار سازمان‌های اجرایی داریم، نمی‌تواند ما را در مدیریت درست منابع آب و خاک کمک کند. باید مراکز تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار، یکی شود و مدیریت یکپارچه منابع آب داشته و سراغ جلب مشارکت‌های مردمی برویم. تا زمانی که معیشت کشاورزان را ارتقاء ندهیم و مشارکت آنها را در حفظ و صیانت از منابع آب جلب نکنیم، هیچ توفیقی در احیاء دریاچه ارومیه نخواهیم داشت، همچنان که تا حالا نداشتیم.

از آنجایی که آذربایجان غربی، استانی کشاورزی معرفی می‌شود، به نظر شما دولت ریسک تنش‌های اجتماعی محتمل را می‌پذیرد تا به‌طور جدی، موضوع کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه را مدیریت کند؟

اینکه محور توسعه آذربایجان غربی کشاورزی است، سازگار با پتانسیل‌ها و اقلیم استان نیست. در نظر داشته باشید که ما راهی جز قانونمند کردن استفاده

با توجه به اقدامات صورت گرفته در سال‌های گذشته، آیا آینده روشنی برای احیاء دریاچه ارومیه متصور هستید؟
برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید به منشأ پیدایش این مشکل برگردیم و ببینیم اقدامات تا چه اندازه در برطرف کردن این مشکلات مؤثر بوده است. کارهای ارزشمند و تلاش‌های زیادی صورت گرفته اما روند خشک شدن دریاچه در سال‌های گذشته ادامه داشته و منتج به این شده که بایک بستر خشک فرسایش پذیر آلوده مواجه هستیم. بارها گفته شده که یکی از علل پیدایش این بحران تغییرات اقلیمی، کاهش بارش و تغییر نوع بارش است. مطالعات متعدد نشان می‌دهد این عوامل ۲۰ تا ۳۰ درصد مؤثرند و مشکل اصلی دخالت‌های انسانی است. نداشتن حکمرانی آب، نبود مدیریت یکپارچه منابع آبی، رهاشدگی در مدیریت استفاده از منابع آب و خاک در حوضه دریاچه ارومیه و اجرا نشدن قانون، باعث شده تا هم‌اکنون با یک بهره‌برداری بی‌رویه و ناهماهنگ از منابع آب و خاک روبه‌رو شویم. برای برطرف کردن این مشکل، با توجه به اینکه تغییرات در بخش اقلیم از دست ما خارج است، باید سراغ ۷۰ درصد مشکلاتی برویم که خودمان عامل آن هستیم. اینکه خودمان ۷۰ درصد تأثیرگذار بودیم هم نکته مثبت دارد، هم منفی. نکته مثبت ما را امیدوار می‌کند، چراکه خودمان مسبب بودیم و چنانچه رفتارمان را درست کنیم، قابل جبران است. اما جنبه منفی این است که متأسفانه ما در مسیر اصلاح آن تخریب ۷۰ درصدی سهم خودمان نیستیم، به همین دلیل با وجود اقدامات صورت گرفته از سوی دولت‌های مختلف، همچنان با سقوط آزاد سطح آب دریاچه ارومیه روبه‌رو بودیم. در حالی که همچنان شاهد توسعه بی‌رویه اراضی و تغییر کاربری‌ها هستیم. جای شگفتی دارد که در این سال‌ها اخبار زیادی از استان ما مخابره می‌شود، مبنی بر اینکه آذربایجان غربی صادرکننده علوفه، سبب، چغندر قند و میوه‌های هسته‌دار مثل هلو و شلیل است و جالب اینکه صادرات این تولیدات کشاورزی به‌عنوان اخبار امیدوارکننده و



نان سهمیه‌بندی نمی‌شود

معاون استاندار تهران، کسر سهمیه آرد تعداد محدودی از نانوالی‌ها را به دلیل تخلفات صورت گرفته در این واحدها دانست و گفت: «سهمیه‌بندی نان در استان تهران انجام نشده و آن را تکذیب می‌کنیم.» محمد علیمهری با اشاره به برخی شایعات در خصوص وضع محدودیت در فروش نان به مردم گفت: «متناسب بودن میزان سهمیه آرد دریافتی با تعداد فروش نان، مبنای عملکرد نانوالیان است که می‌تواند میزان سهمیه منطقه را تعیین کند.» او در ادامه با اشاره به برخی کسری‌های آرد نانوالیان افزود: «اگر سهمیه آرد یک واحد نانوالی کسر شده، به دلیل تخلفات دیگری بوده و به فروش نان مربوط نمی‌شود.» براساس اعلام او، هیچ محدودیتی در خرید نان برای شهروندان وجود ندارد و اعداد و ارقام موجود در سامانه هوشمندسازی آرد و نان، ارتباطی به فروش نان ندارد.



هشدار درباره نمک‌های رنگی

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با هشدار درباره مصرف نمک‌های رنگی و سنگ‌نمک گفت: «مردم فریب تبلیغات سودجویان در مورد مصرف نمک‌رنگی یا سنگ‌نمک را نخورند.» احمد اسماعیل‌زاده با بیان اینکه نمک‌های رنگی (صورتی، آبی، بنفش و سنگ‌نمک)، سلامتی افراد را به خطر می‌اندازد، افزود: «نمک از معدن‌های سنگ‌نمک با حفر زمین توسط ماشین‌ها، سپس انفجار و خرد کردن سنگ‌های نمک به‌دست می‌آید و این نوع سنگ، بیشتر برای یخ‌زدایی به کار می‌رود و این نوع نمک برای مصرف خوراکی مناسب نیست.» او ادامه داد: «امروزه درباره مصرف نمک‌های رنگی و سنگ‌نمک، شاهد تبلیغات گسترده از سوی افراد شیاد و ناآگاه هستیم. در تبلیغات، این افراد عنوان می‌کنند که به‌جای مصرف نمک‌های تصفیه‌شده، یُددار، از نمک‌های رنگی و سنگ‌نمک استفاده کنید؛ زیرا آنها طبیعی بوده، در حالی که نمک‌های رنگی و سنگ‌نمک به دلیل اینکه از معادن، دریاچه‌ها و کوه‌ها استخراج می‌شوند، حاوی ناخالصی‌های متعدد و ذرات شیمیایی همچون فلزات سنگین سرطان‌زا هستند که برای سلامت مصرف‌کننده مضر است.»

